



دو سفرنامه از

یک مصحح و یک ناشر

مزدک ابهری

ه. ق. توسط اشرف السلطنه همسر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه. عروس حاجی علی خان اعتمادالسلطنه. به کتابخانه آستان قدس رضوی هدیه و وقف شده است (ص ۳۰) و علت دسترسی اشرف السلطنه به این سفرنامه و کتابهای خطی دیگر که عمدتاً به محمدحسن خان اعتمادالسلطنه تعلق داشته، از آن رو بوده که وی همسر دوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه بوده و پس از وفات وی به عقد و نکاح سیدحسین عرب پسر سید سعید آل ثابت (معروف به نایب التولیه عرب) درآمد و در مشهد مقدس مقیم شد. نام اصلی وی عزت ملک خانم بود و اشرف السلطنه دختر امامقلی میرزای عمادالدوله بود. نامبرده از هر دو همسر (اعتمادالسلطنه و سید حسین عرب) فرزندی به دنیا نیاورد و در ۱۳۳۴ ق در شهر مشهد وفات یافت و از این رو کتابهایی را که از محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در اختیار داشت و یا خود جمع آوری کرده بود وقف کتابخانه آستان قدس رضوی نمود.

سفرنامه حاج علی خان اعتمادالسلطنه نیز از جمله کتابهایی بوده که در اختیار اشرف السلطنه بوده و این سفرنامه در حقیقت بازنویسی شده سفرنامه‌ای است که اعتمادالسلطنه اول - حاج علی خان مقدم مراغه‌ای - تألیف کرده و فرزندش اعتمادالسلطنه دوم یعنی محمدحسن خان آن را بازنویسی کرده و مطالب تاریخی و جغرافیائی فراوان بدان افزوده، همانگونه که مصحح محترم مرقوم داشته‌اند به دستور محمد حسن خان اعتمادالسلطنه فرزند مؤلف با خط نستعلیق در ۱۳۰۶ ه. ق از سواد به بیاض کشیده شده است و با توجه به برخی شواهد موجود در متن، به نظر می‌رسد مجموعه مطالبی که تحت عنوان توضیح [و استطراد] آمده، مربوط به فرزند مؤلفه محمد حسن خان اعتمادالسلطنه است.» (ص ۳۰).

افزوده‌های اعتمادالسلطنه دوم بر سفرنامه پدر، جای جای مشهود است به ویژه که این اضافات و توضیحات با واژه انتهی (ص ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۹، ۶۸ و...) مشخص شده؛ و افزون بر قید واژه توضیح و انتهی، در پایان توضیحات مطالبی نیز در سفرنامه موجود است که واژه توضیح و انتهی را به همراه ندارد که به نظر می‌رسد از اعتمادالسلطنه دوم باشد مانند: (ص ۴۴، بند سوم و چهارم) که آمده: «اربیل» شهری است واقع

سفرنامه نویسی در عصر اسلامی از سده دوم هجری شروع می‌شود و آثار برجسته‌ای از سیاحان اسلامی به جای مانده، گرچه برخی از این آثار عنوان سفرنامه ندارند همچون فتوح و یا کتابهای جغرافیائی چون البلدان؛ اما بیشتر با عناوین سفرنامه به یادگار مانده‌اند از آن جمله: سفرنامه ابودلفه سفرنامه ابن فضلان، سفرنامه ناصر خسرو و سفرنامه ابن بطوطه که جملگی آثار ارزشمند گرانمایه‌ای هستند با مطالب متنوع و اطلاعات جغرافیائی، تاریخی، آداب و رسوم، شیوه حکومت زمامداران، اوضاع اجتماعی عصر سیاح که توانسته‌اند همگی را به قلم آورده و به صورت میراث گرانبهائی برای آیندگان به جای گذارند.

از میان این سفرنامه‌ها، بخشی، اختصاص به اماکن مقدسه اسلامی دارند و برخی در ضمن سفر به هنگام عبور یا توقف در این اماکن مقدسه به شرح و بسط اوضاع و احوال ایام خود پرداخته‌اند که درخور توجه و تعمق‌اند.

ایرانیان نیز سهم به سزائی در عالم اسلامی در تألیف سفرنامه‌ها دارند به ویژه در تاریخ معاصر و به واسطه نزدیکی به زمان حال، آثار ارزنده‌ای از این قبیل سفرنامه‌ها به جا مانده و اکنون در کتابخانه‌ها و یا آرشیوهای خصوصی محفوظ و نگهداری می‌شوند و هر از چندی یک یا تعدادی از این نسخ احیاء و به زیور طبع آراسته شده و در اختیار همگان قرار می‌گیرد.

از میان آن سفرنامه‌های بی‌شمار، اخیراً دو سفرنامه به همت آقای سیدعلی قاضی عسکر به سرمایه نشر مشعر انتشار یافته که پس از اتمام مطالعه بر آن شدم به معرفی این دو سفرنامه پردازم که برحسب تاریخ سفر از آنها با نام سفرنامه اول و دوم یاد خواهد شد.

سفرنامه حاج علی خان اعتمادالسلطنه، به کوشش

سیدعلی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۹

سفرنامه اول از حاج علی خان اعتمادالسلطنه است که مسیر رفت و برگشت و ایام توقف در حرم مطهر کعبه و طواف بیت الله را دربردارد. نسخه خطی آن به همراه یکصد و پنجاه جلد کتاب خطی دیگر در ۱۳۳۴

در جنوب شرقی موصل، اهالی آن بلده تماماً کُرد و عبارت از چهار هزار خانوار است. «اسکندر رومی» سیصد و سی و یک سال قبل از میلاد عیسی، در اینجا «دارای کیانی» را شکست داد و به روایتی همان روز مبدأ تاریخ اسکندری مقرر گردید، و این شهر از بلاد جیل محسوب است، در قدیم الایام پایتخت بلاد «زور» بود و در مابین رودخانه‌های «زب بزرگ» و «زب کوچک» واقع است. دو منزل «از موصل» دور و اطراف قصبه به یک سو استوار محصور است، آبادانی در زمین مستوی است» و یا آنچه ذیل «وضع ترتیب لشکر عثمانی (ص ۱۳۲-۱۳۵) آمده به نظر حقیر از اعتمادالسلطنه دوم است.

و همینطور شرح حال رجال عثمانی را که در کتاب آمده، باید از اعتمادالسلطنه دوم دانست و ایضاً آنچه نقل قول از کتابهایی چون کاتب چلبی و... شده، نیز افزوده محمد حسن خان اعتمادالسلطنه است، به دیگر سخن، حقیر معتقد است که بیش از نیمی از این سفرنامه در بازنویسی و یا هنگام «از سواد به بیاض کشیده» شدن، افزوده اعتمادالسلطنه است که جملگی مطالب بسیار سودمند و ارزشمندی است و در نوع خود می‌تواند الگویی برای مصححان جدید باشد که با افزودن مطالب خوب و ارزشمند در پانویس و یا در پایان متن، به غنای سفرنامه بیفزایند.

سفرنامه حاضر را باید همچون سفرنامه‌های دیگر به سه بخش عمده تقسیم کرد:

۱. مسیر رفت: حرکت از بغداد و عبور از: موصل، ماردین، دیار بکر، حلب، حما، حمص، قتیفه، شهر شام [= دمشق]، مدینه منوره
۲. ایام اقامت در مکه معظمه و طواف بیت الله.
۳. مسیر برگشت: حرکت از مکه و عبور از: مدینه منوره، شهر دمشق شام، دیاربکر، موصل، بتلیس، وان، اخلاط، عادل جواز، ارجیش، خوی و رسیدن به تبریز و به اضافه مقدمه فاضلانه و عالمانه مصحح محترم بر کتاب (ص ۱۳-۳۰) حاوی شرح حال حاج علی خان اعتمادالسلطنه، اصل و نسب مؤلف، شرح اعمال اعتمادالسلطنه به ویژه ارتباط مناسباتش با مهدعلیا همسر محمد شاه قاجار و مادر ناصرالدین شاه و ایضاً قتل امیرکبیر به دسیسه مهد علیا و میرزا آقاخان نوری و دستور ناصرالدین و اجرای حکم توسط حاج علی خان که به صورت مبسوط توسط مصحح فاضل و محترم نگارش یافته که تمامی بیانگر دیده‌گاه

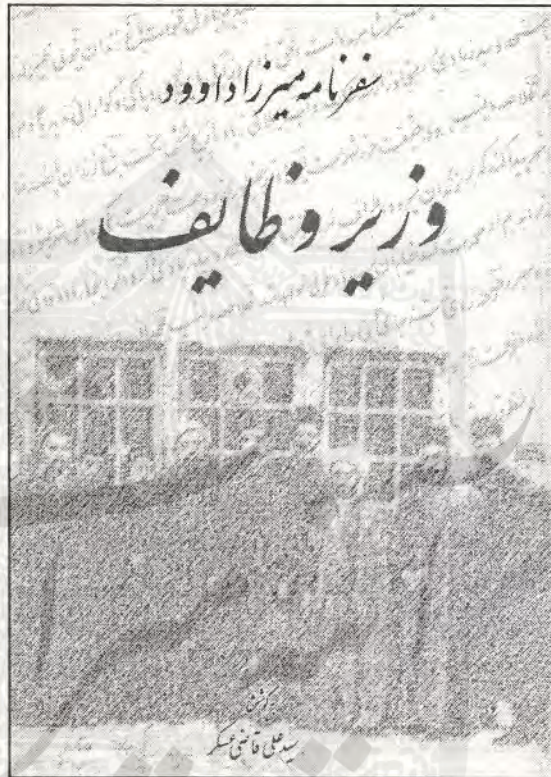
منفی مصحح به حاج علی خان اعتمادالسلطنه است که می‌تواند دیدگاه غالب هر ایرانی نیز باشد، با وجود این چنانکه خود گوید: «گر چه حاج علی خان اعتمادالسلطنه به دلیل ارتکاب چنین جنایت بزرگی - قتل امیرکبیر - در تاریخ کشور ما، فردی خوش نام نیست، لیکن از آن جا که سفرنامه تنظیمی وی، حاوی اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، علمی و دینی فراوان است، می‌تواند برای دانش پژوهان به ویژه مورخان مفید باشد، لذا در صدد برآمدم تا این سفرنامه را احیاء کرده و در اختیار هموطنان ارجمند قرار دهم» (ص ۳۰)

تمامی مطالب مقدمه فاضلانه، حکایت از پژوهش و تحقیق و تفحص مصحح دارد و انصافاً از هیچ نکته‌ای فروگذار نکرده است، با وجود این همه دقت و وسواس در تألیف مقدمه، مطلبی در (ص ۱۹) مقدمه آمده، که چندان صحیح نمی‌نماید و آن هم به نقل از روانشاد عباس اقبال آشتیانی است.

برای روشن شدن مسأله، نخست عین نوشته مصحح محترم نقل می‌شود: «در مقدمه کتاب شرح عباس میرزا ملک آرا به قلم عباس اقبال آشتیانی نوشته شده که [میرزا علی خان] به همراه همسر محمداشاه به مکه رفته و برای محرمیت، مادر [ناصرالدین شاه] را برای خود صیغه کرده است». عبارت «و برای محرمیت مادر [ناصرالدین شاه] را برای خود صیغه کرده است» صحیح نیست، زیرا که در ایام سفر (۱۲۶۳ هـ) محمداشاه زنده بود و نمی‌شود همسر کسی را برای محرمیت صیغه کرد و این خلافت شرع و عرف است، مگر آنکه این صیغه

محرمیت از نوع خواهر و برادری باشد که باز بعید می‌نماید و مراد مصحح محترم نیز چنین چیزی نیست و نیز با آن موقعیت فراری بودن حاج علی خان چنین صیغه‌ای بعید به نظر می‌رسد که جاری شده باشد. دوم، نوشته و عبارت عباس اقبال آشتیانی نقل می‌شود که اصلاً چنین موردی در آن نوشته نیست و یا حداقل در نسخه چاپی که در اختیار نگارنده از خاطرات عباس میرزا ملک آراست و چاپ آن به تاریخ ۱۳۵۵ برمی‌گردد نه چاپ اول آن در ۱۳۲۵، به هر صورت عین نوشته زنده‌یاد اقبال آشتیانی که در پانویس مقدمه (ص ۲۳) آمده چنین است:

«حاج علی خان پس از این واقعه - مغضوب شدن و مصادر اموال - به همراهی مادر محمد شاه به مکه رفت و پس از مراجعت به تبریز آمد و خود را علی رغم مادر عباس میرزا به مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه بست و با او به طهران آمد. چون محمداشاه مُرد و زمام کارها موقتاً در دست



مهدعلیا قرار گرفت، او حاج علی خان را ناظر خود و مأمور وصول مالیات گیلان کرد....»

برای روشن شدن مسأله، نظری به محتوای خود سفرنامه حاج علی خان می‌افکنیم و ببینیم خود او چه می‌نویسد؟ وی در یک جای (ص ۷۹) نویسد «یک روز بیشتر از ورود سرکار اقدس . به حلب وارد شدم، هجدهم رمضان بود» و در جای دیگر (ص ۸۵) نویسد «... زن پاشای مزبور که خواهر همین جوان است، در اندرون به زیارت «والده سرکار اقدس» آمد...» و ایضاً در (ص ۸۸) نویسد: «والده شاهنشاه با سرکار آصف الدوله نور محمد خان سردار با متعلقات خودشان . کنار شهر چمن است که نهر آب جاری است . [به] زبان ترکی آن چمن را گوگ میدان می‌گویند . چادر سرپرده زدند، سترکبری مهد علیا والده شاهنشاه عالم پناه یک شب پاشاها را مهمانی کرد، بسیار سنگین و خوب و به طور ایرانی...»

آنچه از نوشته اعتماد السلطنه بر می‌آید که عبارت: سرکار اقدس، والده سرکار اقدس، والد شاهنشاه و سترکبری مهدعلیا والده شاهنشاه عالم پناه . همان طور که شادروان اقبال آشتیانی نوشته . مراد مادر محمد شاه است و محمد شاه در آن ایام هنوز در قید حیات بود و وفات او یک سال بعد از سفر مادرش به مکه یعنی در سال ۱۲۶۴ ق اتفاق افتاد و صیغه زنی که شوهرش مرده، برای محرمیت منع شرعی ندارد.

شاید عبارت «سترکبری مهدعلیا والده شاهنشاه عالم پناه» در متن سفرنامه و نوشته اعتماد السلطنه در «مرآت البلدان» مراجعت از آنجا در آذربایجان سر بر آستان نواب مستطاب ولیعهد گردون مهد ناصرالدین میرزا نهاد و در رکاب مهد علیا به دارالخلافه آمده...» (ص ۲، سفرنامه) سبب خلط مبحث شده و مصحح محترم آن «سترکبری مهد علیا والده شاهنشاه عالم» . مادر محمدشاه که دختر میرزا محمدخان قاجار و همسر عباس میرزا نایب السلطنه بوده - را با این «مهدعلیا مادر ولیعهد گردون مهد ناصرالدین میرزا» یکی گرفته است، در حالی که این مهد علیای دوم، ملک جهان خانم، دختر محمد قاسم خان پسر سلیمان خان اعتضاد الدوله قاجار قائلو بود و درباره عفت و عصمت او نقل و سخن فراوان است، اما صحیح‌تر آنکه بگوییم آن مهدعلیائی که در ۱۲۶۳ ق سفر بیت الله حرام کرده بود، مادر محمدشاه بود، نه مهد علیا همسر محمدشاه قاجار.

بگذریم که سخن به دراز کشید. حال به یکی از فواید این سفرنامه اشاره کنیم که در نوع خود جالب توجه و بی‌نظیر است و آن هم واقعه اقامت میرزا تقی خان وزیر نظام - امیرکبیر - در ارزنة الروم به جهت انعقاد عهدنامه ارزنة الروم می‌باشد که در تاریخ قاجار، بسیار مشهور است. مؤلف سفرنامه، وقتی به موصل می‌رسد، به شرح و توصیف شهر موصل می‌پردازد (ص ۴۷ - ۴۹) و پس از توضیحی که مسلماً از محمد حسن خان اعتماد السلطنه است (ص ۵۰) به شرح «تواریخ راجعه به موصل» همت می‌گمارد و با توجه به نثر و اطلاعات ارائه شده در همان آغاز: «بعد از انقراض دولت نامرده و آشوریه و بابلیه، کیانیان و سلسو سیدها

[= سلوکیها] و اشکانیان و ساسانیان حکومت کردند و...» حکایت از آن دارد که این قسمت نیز از افزوده‌های اعتماد السلطنه دوم است، نه از حاج علی خان، و در ادامه مطلب به تیترا «اسعد پاشا» (ص ۵۲) بر می‌خوریم و آنگاه شرح حال اسعدپاشا که در آن سال - ۱۲۶۳ ق - پاشای موصل بوده، بیان می‌کند و سپس (ص ۵۴) می‌نویسد: «این اسعد پاشا همان شخصی است که با امیر نظام مرحوم در ارزنة الروم مناقضت ورزید و باعث ایقاد آتش همان فساد شد که تفصیل آن در تواریخ ایران و عثمانی مبسوط است و خلاصه فقره مذکوره از این قرار است...» و سپس به بیان واقعه حوادث ایام اقامت امیر نظام در ارزنة الروم و مذاکرات ایران و عثمانی می‌پردازد که اندک اختلاف قابل تعمق با آنچه در «تواریخ ایران و عثمانی مبسوط است» دارد، و برای پرهیز از اطالة کلام، خوانندگان را به آنچه در این سفرنامه آمده (ص ۵۴ - ۵۹) و مقایسه با منابعی چون ناسخ التواریخ (دوره قاجار) و روضة الصفا فی ناصری و دیگر منابع آن دوره حواله می‌دهد.

سفرنامه میرزا داوود وزیر و ظایف، به کوشش سید علی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۹.

این سفرنامه نسبت به سفرنامه اول، از نظر حجم برتری دارد و حتی مسیر رفت و برگشت او نیز با مؤلف سفرنامه اول متفاوت است و مسیر او از مشهد به: قوچان، عشق آباد، تازه شهر، بادکوبه، تفلیس، باطوم، عدسه و ادسه، سلامبول، پرت سعید، جد، مکه، و مسیر بازگشت از مکه: مدینه منوره، شهر شام، قطیفه، شهرتدمر، دیر، کربلا، نجف، کاظمین، وان، کرمانشاه، ملایر، سلطان آباد [= اراک]، قم، حضرت عبدالعظیم، تهران، سمنان، دامغان، سبزوار، نیشابور، مشهد.

چنانچه ملاحظه می‌شود، مسیر رفت و برگشت هر دو سفرنامه با هم متفاوت بوده و هر یک از مؤلفان سفرنامه‌ها با توجه به بینش و دانش خود به شرح و بسط ایام سفر خود پرداخته‌اند و بویژه آنکه سفرنامه



نخستین (حاج علی خان اعتماد السلطنه) اطلاعات تاریخی و پُر بهای فرزندش محمدحسن خان اعتماد السلطنه درباره تاریخچه و قدمت شهرها و به عبارت دیگر اطلاعات جغرافیای تاریخی شهرها و شرح حال رجال عثمانی را در بر دارد.

اما سفرنامه دوم که به ظاهر، فاقد آن اطلاعات است، خالی از اطلاعات مفید نیست به ویژه آنکه مسیر او با حاج علی خان متفاوت بوده و اطلاعات مفیدی از شهرهای مسیر خود به ویژه از اوضاع و احوال اجتماعی آن روزگار ارائه می‌دهد، چنانکه در وصف عشق آباد نویسد: «اول چیزی که از عشق آباد، کنار راه دیده می‌شود، آسیا و طاحونه است که اطراف آن چند آلاچیق خوب هم دیده می‌شود و اطراف جوی آن درختهای اقاچیا کاشته‌اند و بعد از آن سرباز خانه و قراولخانه‌های قشنگ به طرز خوب خوشگل و تک تک هم منزل که باغهای خوب و دیوارهای کوتاه دارد و خیلی خوشگل ساخته‌اند... (ص ۳۷-۳۸). وضع این شهر، سواى شهرهای ایران است. به کلی شهر قسمی دیگر بنا شده است، خیابانها وسیع، در هر صد قدم خیابانی تشکیل شده است مثل خیابان اول... شهر عشق آباد در این مدت قلیل که تقریباً بیست و پنج سال است دولت روس تصاحب کرده، خوب آباد شده است. کلیسای بزرگ که مشتمل بر صحن وسیعی بود، در کنار راه دیده شد، در میان کوچه و بازار، زنهای روس و دخترهای جوان روس، ولی کم ملاحظت، متصلاً در حرکت و رفت و آمد هستند (ص ۳۸). اطلاعات ارائه شده توسط میرزا داوود، در خور تعمق و تعقل است، شهری بیست و پنج سال قبل به تصرف روسها درآمده و روسها نیز درصدد روسی کردن شهر مذکور برآمده‌اند و «کلیسای بزرگ مشتمل بر صحن وسیعی» در سرزمین اسلامی بنا نهاده‌اند و زنان و دختران «روس، ولی کم ملاحظت» بدین شهر نقل و مکان کرده‌اند و همگی حکایت از اقدامات روسها و روس کردن ماوراء النهر پس از تسخیر و تصرف آن ناحیه دارد.

بخشی از مسیر میرزا داود از راه دریا بوده، چنانچه از تازه شهر تا باد کوبه را از راه دریاچه خزر، با کشتی طی مسافت کرده و همین طور از باطوم تا استانبول از طریق دریای سیاه یاقره دنکیز که به غلط در متن

«قره ویکتر» آمده. قره به معنای سیاه و دنکیز در لغت ترک به معنای دریا می‌باشد. و در تمامی این مسیر، هر منطقه شهری که به تازگی به تصرف روسها درآمده و اقدامات دولت روسیه تزاری در روس کردن آن مناطق، مطالب بسیار بدیع و قابل توجهی مشاهده می‌شود.

همین طور از شهر اسلامبول تا جده که از مسیر دریای مدیترانه یا اق دنکیز (دریای سفید) و توقف در بندر پرت سعید که به خاطر شیوع وبا کسی از کشتی پیاده و یا سوار نشده و آنگاه عبور از کانال سوئز که مؤلف محترم با عنوان «کانال سوئس» از آن یاد می‌کند و توصیف زیبا به هنگام عبور از کانال و آنگاه استخدام «بلد دریا از سوئیس به جده» که بلد مخصوص دارد و فرنگی‌ها نمی‌توانند کشتی را ببرند و طایفه مخصوص هستند که بلد راه هستند، اجیر می‌شوند» ورود به جده و محشر گمرک و اینکه یک نفر می‌آید روی آب، حجاج ایران را می‌شمارد به جهت اینکه از هر نفری که در طراده تشسته است، پنج قروش از طراده چی می‌گیرند، رعیت روس و انگلیس و هر دولتی نفری دو قروش می‌دهند و رعیت ایران نفری هفت قروش و نیم باید بدهند» و آخر اینکه «هر چه طراده چی داد می‌زد که در این طراده پنجاه و دو نفر است، آدم قنسول می‌گفت پنجاه و هشت نفر است» و با این همه مصیبت و دردسر باز هم شوق ایرانی در رفتن به مکه و زیارت کعبه و غار حرا و مرقد مطهر پیامبر اسلام در مدینه و ایضاً «حق حشیش» عمله واکره کاروان و دولتیان عثمانی و اینکه این سوالی است در سر حجاج ایرانی. ورود به مکه معظمه و شرح مبسوطی از مکه و اسامی مکه و وضع عمارت‌های مکه و کوههای اطراف و خانه کعبه و تاریخچه بنای کعبه و تعمیرات آن و وضع مسجدالحرام و مختصری از تاریخ صدر اسلام شامل: شرح حال حضرت خدیجه و فرزندان، شرح حال عبدالمطلب و ابوطالب که همه مطالبی است خواندنی و مفید که از مطالعه آن حالتی خاص به خواننده دست می‌دهد که وصف نشدنی است.

پی‌نوشت

۱. هر دو مورد کروش و مطالب داخل آن از مصحح محترم است.

AyeneMiras@MirasMaktoob.com
MirasMaktoob.com

